



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در این بود که در قیمی قیمت چه وقتی میزان است؟ آیا قیمت یوم الغصب و الأخذ میزان است یا قیمت یوم التلف و یا قیمت یوم الأداء و یا قیمت یوم المطالبة؟ و یا اینکه أعلى القیم میزان است؟ خلاصه اینکه صور و اقوال مختلفی در مسئله وجود دارد که ما باید برای فهم مطلب و اختیار قول صحیح به مدارک و مبانی آنها توجه داشته باشیم.

آیت الله خوئی در ص ۴۵۵ از جلد ۲ مصباح الفقاهة مثل شیخ انصاری به حدیث صحیحہ اَبی وِلاد استدلال کرده و فرموده که حدیث بر ضمان قیمت یوم الغصب والأخذ دلالت دارد.

حضرت امام(ره) در ص ۴۹۲ از جلد اول کتاب بیعشان ابتدا بحث را مبتنی بر معنای ضمان کرده و بعد چندین صفحه درباره معنای ضمان بحث کرده، ایشان فرموده که برخی از روایات ظاهرند در اینکه عین در ذمه باقیست تا یوم الأداء و این یعنی اینکه قیمت یوم الأداء میزان است و هذا حکم عقلائی لا عقلی، سپس ایشان روایات زیادی را در این رابطه (اثبات کون الشئ فی العهدة إلی یوم الأداء) ذکر کرده، منتهی امام(ره) بعد از بحثهای مفصل و طولانی و اثبات اینکه: عین تا یوم الأداء در ذمه باقیست لذا قیمت یوم الأداء میزان است، از این نظرشان برگشته اند و فرموده اند: والتحقیق أن یقال: که ضمان معهود در اذهان عرف و عقلاء همان عهده دار

شدن و جبران غرامت و خسارت بوجود آمده می باشد یعنی مضمون له (مالک) باید طوری غرامت و خسارت را از ضامن بگیرد که عرفاً بگویند که خسارت و غرامت جبران شده و پرداخت شده یعنی حکم عرف و عقلاء در اینجا میزان است فلذا تمام روایات مذکور به همین معنی (ضمان قیمت یوم التلف) حمل می شوند و بعد ایشان در آخر کلامشان می فرمایند به نظر قاصر ما این قول (قیمت یوم التلف میزان باشد) أقرب است و إن خالف ما مرَّ منّا (که عین تا یوم الأداء در ذمه باقیست لذا قیمت یوم الأداء میزان است).

حضرت امام(ره) در ادامه بحثشان در ص ۶۱۵ از جلد اول کتاب بیعشان به عنوان مؤید فرموده که اخبار رهن بر اعتبار قیمت یوم التلف دلالت دارند و بعد به چند خبر از اخبار مذکور اشاره کرده، کلام ایشان این است: « دلالة أخبار الرهن السابقة على اعتبار قيمة یوم التلف:

و ممّا یمكن الاستشهاد به للمطلوب أى ضمان المقبوض بالبیع الفاسد بقيمة یوم التلف روایات الرهن المتقدّمة: كموتقة أبان بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال فی الرهن إذا ضاع من عند المرتهن من غیر أن یستهلكه رجع بحقه على الراهن فأخذه، و إن استهلكه تراذاً الفضل بينهما.

بناءً على أن المفروض فی الجملة الثانية أيضاً الضیاع، و أراد التفصیل فی موضوع الضیاع بین التفريط و غیره، أو بین التضييع و غیره، فتدلّ فی الرهن أنه مع ضیاعه بتفريط أو تضييع یسقط المقدار المقابل، و یتراذآن الفضل، و الظاهر منه أن الاستهلاك موجب للتهاتر، و أن به ینتقل الرهن إلی القيمة.

و أمّا إذا كانت الجملة الثانية في غير فرض الضياع ؛ بأن يراد من الاستهلاك ، الإهلاك و الإتلاف ، فتخرج عن مورد ضمان التلف .

درواقع ایشان می خواهند از جمله : « تراذاً الفضل بينهما » استفاده کنند که فرش که قیمی است مبدل به قیمت شده آن هم قیمت موقعی که فرش را تلف و ضایع کرده و از بین برده ، خبر مذکور در کلام امام (ره) خبر ۲ از باب ۵ از ابواب رهن می باشد که در جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است .

امام رضوان الله علیه در ادامه کلامشان می فرمایند : « و كموثقة إسحاق بن عمّار قال : سألت أبا إبراهيم عليه السلام عن الرجل يرهّن الرهن بمائة درهم ، و هو يساوي ثلاث مائة درهم فيهلك ، أعلى الرجل أن يرده علي صاحبه مأتي درهم ؟

قال نعم ؛ لأنّه رهن رهناً فيه فضل و ضيعه .

قلت : فهلك نصف الرهن ؟

قال علي حساب ذلك .

قلت : فيترادان الفضل ؟

قال نعم .

بناءً على المحكى عن «الكافي» و «التهذيب» كما نقلناه من فرض الهلاك ، لا الإتلاف و الإهلاك كما في رواية الصدوق .

و يظهر من التعليل : أنّ كلّ من هلك مال الغير تحت يده بتضييع ، ضمن قيمته يوم التلف ، فيدلّ على المقصود في الجملة ، كما أنّ ذيلها المفروض فيه الهلاك علي جميع النسخ ، يستفاد منه ذلك ؛ بدعوى موافقة فهم

العرف في أنّ العلة في الجملة المتقدّمة جارية في حكم الذيل أيضاً...إلى آخر كلامه .

علی آئی حال امام رضوان الله علیه به اخبار مذکور در باب رهن استناد کرده و فرموده که این اخبار دلالت دارند بر اینکه قیمت يوم التلف میزان است ، اما به نظر بنده چنین چیزی را از اخبار مذکور نمی توانیم استفاده کنیم زیرا در اینجا يوم التلف با يوم الأداء یکی شده در حالی که ما باید مواردی را پیدا کنیم که دوتا باشند و از هم جدا باشند ، بنابراین هیچکدام از اخباری که ایشان ذکر کرده اند بر مدعایشان دلالت ندارد ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد وآله الطاهرين